

اخبار حادثه

رہایی مجرم از اعدام پای چوبه دار

ایستا : با مداخله فردی خیر در لحظه اجرای حکم و رضایت خانواده مقتول، محکوم به اعدامی از قصاص در پای چوبه دار رهایی یافت. عارف رضایی معاون دادستان پاکدشت با اعلام این خبر گفت: «مجرم» دیروز با توجه به محکومیت «اشکان ص.» متولد ۱۳۵۳ به اتهام قتل عمدی (احمید الف.» به اعدام، به همراه مسئولانی از پزشکی قانونی و دیگر عوامل ذی ربط در زندان ورامین حاضر شده و بعد از انجام تشریفات لازم برای اجرای حکم برای اخذ رضایت خانواده مقتول تلاش کردیم که متأسفانه با مقاومت شدید مادر مقتول مواجه شدیم. وی افزود: بعد از اینکه طناب را به گردن محکوم به اعدام انداخته و حکم قرائت شد فرد خبری که هیچ آشنایی با طرفین پرونده نداشتند از من برای تأخیر کوتاه در اجرای حکم اجازه خواست که من هم اجازه را صادر کردم که خوشبختانه با تلاش موثر این فرد رضایت مادر مقتول اخذ شد و پس از آن به پیشنهاد این فرد خیر مبلغ ۲۰ میلیون تومان برای صرف امور خیریه و جهت آسایش خاطر فرزندان به آنها داده شد. معاون دادستان پاکدشت افزود: بعد از رضایت مادر مقتول، طناب از گردن قاتل باز شد اما گویا قبل از اینکه این فرد اعدام شود خود مرده بود چون پاهایش هیچ حرکتی نمی کرد که خوشبختانه با تلاش و کمک پزشک حاضر در صحنه این فرد به حالت طبیعی بازگشت. رضایی تأکید کرد که خانواده مقتول به خاطر پول رضایت ندادند چون قبل از گرفتن پول رضایت دادند و این مبلغ با پیشنهاد فرد خیر و جهت صرف در امور خیریه به خانواده مقتول داده شد. به گفته معاون دادستان پاکدشت قاتل و مقتول از کودکی با یکدیگر دوست بوده و رفت و آمد خانوادگی داشتند و این اتفاق با دخالت فرد سومی و تحریک او و به وسیله دادن مشروب و در اختیار قرار دادن قاقو ۴ سال پیش رخ داده بود که این فرد در حال حاضر به اتهام معاونت در جرم در حال گذران محکومیت حبس است.

قاتلی که سه نفر را در سلسله کرمانشاه کشته بود دستگیر شد

پلیس خبر : مردی که اقدام به کشته و زخمی کردن ۶ نفر در شهرستان سلسله کرمانشاه کرده بود دستگیر شد و در برابر میزان عدالت قرار گرفت. ماموران پاسگاه «هنگام» سلسله از توابع لرستان در پی کسب خبری مبنی بر یک مورد درگیری منجر به قتل در روستای سرنه به محل مورد نظر مراجعه کردند. طی تحقیقات به عمل آمده مشخص شد فردی به نام «م. ع.ی.» به علت اختلافات خانوادگی با استفاده از سلاح گرم تعداد سه نفر را به قتل رسانده و تعداد سه نفر دیگر را از ناحیه مختلف بدن مجروح کرده و اقدام به فرار کرده است. با انجام کنترل های محسوس و غیرمحسوس زمانی که وی قصد ورود به روستای خود را داشت در محاصره نیروهای انتظامی که از قبل در آنجا کمین کرده بودند گرفتار شد. او هنگامی که عرصه را بر خود تنگ دید با اسلحه ای که در اختیار داشت خود را از ناحیه جناق سینه مورد اصابت گلوله قرار داد و خودکشی کرد.

کارگر نانوايي در میان دستگاه خميرکيري له شد

ایستا : یک کارگر نانوايي حین خمیرگیری نان بربری در دستگاه گیر کرده و پس از له شدن تمام اعضای بدنش جان باخت. این حادثه در ساعت ۷ صبح دیروز در یک نانوايي واقع در خیابان شوش غربی در حالی رخ داد که کارگر نانوايي قصد خمیرگیری نان بربری را داشت. در این میان زمانی که این کارگر ۳۰ساله خمیر را به داخل دستگاه انداخت ناگهان دستش در دستگاه مذکور گیر کرده و به دلیل قدرت فراوان آن، سایر اعضای بدن وی را نیز به داخل کشید. بدین ترتیب تمام بدن کارگر نانوايي در دستگاه گیر کرده و در پی له شدگی گردن جان باخت. در پی وقوع این حادثه بلافاصله ماموران ایستگاه یک نجات سازمان آتش نشانی با اطلاع از موضوع به محل حادثه اعزام شده و جسد له شده این کارگر را بیرون کشیدند.

دادستان کل کشور:پرونده های جنایی موز نمی شناسد

دادستان کل کشور گفت: پرونده های جنایی مانند تجاوز به عنف، حمله مسلحانه به بانک ها و شرارت های اراذل و اوباش از نمونه جرایمی است که مرز نمی شناسد و در محدوده یک شهر و استان نمی گنجد. قربانعلی ردی نجف آبادی که با نشریه دادسرا سخن می گفت همچنین افزود که با این تفسیر نیازمند یک کادر ویژه برای رسیدگی به اینگونه جرایم است. وی گفت: هر استان و شهرستانی باید شناسنامه امنیتی، قضایی داشته باشد و مرتب با شاخص های گوناگون وضعیت اجتماعی و خانوادگی و روابط شهروندان در حوزه های مختلف ارزیابی شده و تدابیر لازم برای ارتقای سلامت و کرامت و عزت آنها فراهم شود. وی در پایان افزود: مناطق مرزی باید پرجاذبه شوند، اشتغال در آنها ایجاد شود و مردم این مناطق اعتمادشان به عملکرد حکومت مرکزی جلب شود.

متمم دیگری فراری بود

در روز ۲۱ فروردین ۸۵ در این صفحه و در خبری با عنوان «حکم متهمان به قتل لیلیا صادر شد»، نام «محمدصفر» به اشتباه به جای «حسن» چاپ شده بود که به این وسیله اصلاح می شود.

جشنواره هنر هشتم

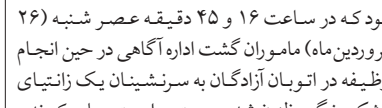
نخستین جشنواره روابط عمومی های برتر بخش خصوصی و تعاونی شهرپورماه امسال برگزار می شود. به گزارش ایسنا اکبر نعمت اللهی- دبیر جشنواره- اعلام کرد: توجّه به دیدگاه‌های مسئولان و ارباب رجوع در بخش های خصوصی و تعاونی می تواند در درازمدت به رشد و اعتلای این دو بخش در کشور کمک کند و با توجّه به سیاست های روشن دولت در زمینه سیردن امور به این بخش ها و رشد اقتصاد غیردولتی می توان امیدوار بود با چنین حرکت ها و ابتکارهای بخش خصوصی با دانش و خلاقیتی بیشتر برای آینده برنامه ریزی کنی.

گروه اجتماعی : پس از صدور قرار منع تعقیب برای مادرزنی که به قتل دادماشش متهم بود، اولیای دم به این قرار منع تعقیب اعتراض کردند.

گروه اجتماعی : پس از صدور قرار منع تعقیب برای مادرزنی که به قتل دادماشش متهم بود، اولیای دم به این قرار منع تعقیب اعتراض کردند.
کبری زن ۳۸ساله متهم بود که بیست و پنج خرداد سال ۸۳ دادام خود را با ۱۹ ضربه چاقو به قتل رسانده است. اما پس از ارسال پرونده به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران قاضی عزیزمحمدی رئیس این شعبه ایراداتی را بر پرونده وارد دانست و با ارجاع پرونده به دادسرای کرج، این دادسرا پس از انجام تحقیقات، برای کبری قرار منع تعقیب صادر کرد. با صدور این قرار اولیای دم مقتول اعتراض کرده و پرونده برای انجام بررسی بیشتر به دادسرای کرج ارسال می شود.
کبری در تحقیقات مدعی شد: «احمد» به من و دخترم توهین کرد و من هم تحمل این رفتار را نداشتم بنابراین در حالی که داخل ماشین او بودیم چاقوی ضامن داری را برداشته و ۱۹ ضربه چاقو به او زدم. « ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه روز ۲۵ خردادماه ارسال از طریق تماس های اهالی خیابان نسترن ماموران کلانتری ۱۷ مهرویلا در جریان کشف جسد مرد جوانی در یک خودروی پیکان قرار گرفتند. پس از اعزام به محل مورد نظر ، ماموران با جسد مردی که پشت فرمان یک خودروی پیکان بود و اتومبیل روبه روی پارک لادن در گلشهر کرج بود، روبه رو شدند. در حالی که با کشف جسد این مرد تحقیقات ماموران آغاز شده بود، کبری مادرزن مقتول پس از گذشت چند هفته از ماجرا با مراجعه به اداره آگاهی به ماموران گفت: «ساعت حدود

پیکر شهید ندافان تشییع شد

پرونده حادثه اتوبان آزادگان در دادسرای جنایی



گروه اجتماعی : پیکر شهید محسن ندافان که روز شنبه در جریان درگیری با دو قاچاقچی مسلح در اتوبان آزادگان مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید صبح دیروز از مقابل پلیس آگاهی تهران تشییع شد. پرونده این حادثه که منجر به کشته شدن یک عابر نیز شد برای رسیدگی خارج از نوبت به شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی ارسال شد. در این مراسم سردار طلایی فرمانده انتظامی تهران بزرگ، سرهنگ رجبی رئیس پلیس آگاهی تهران، سردار تقی زاده دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و جمعی از قضات دادسرای جنایی تهران، همکاران و هم‌زمان شهید حضور داشتند. پس از برگزاری مراسم تشییع در پلیس آگاهی پیکر شهید ندافان برای خاکسپاری به زادگاهش قوچان منتقل شد. فرمانده انتظامی تهران بزرگ دیروز در حاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران گفت: هر چند غم از دست دادن این شهید بسیار سخت است اما افتخار بزرگی برای نیروی انتظامی محسوب می‌شود و با داشتن چنین فرزندانی به خود می‌بالیم. سردار مرتضی طلایی با اشاره به اینکه متهمان از اشرار منطقه سیستان و بلوچستان هستند گفت: از دستگاه قضایی می‌خواهیم متهمان محاکمه شوند و حکم مجازات آنان سریع صادر شود. وی در پایان گفت: هم‌اکنون تحقیقات درخصوص شناسایی و دستگیری همدستان دو قاچاقچی حرفه‌ای ادامه دارد. ماجرای این حادثه از این قرار



۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

با صدور قرار منع تعقیب مادرزن متهم به قتل داماد

اولیای دم مقتول اعتراض کردند

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

شهریار

عماد افروغ رئیس کمیسیون

فرهنگی مجلس هفتم دیروز با خبرگزاری مهر دربارهٔ حق مولف (کپی‌رایت) صحبت می کرد. حق مولف از جمله حقوقی است که همیشه مورد بحث حقوقدانان و اهالی فرهنگ کشور بوده است. افروغ خودش نیز می گوید که قربانی نبودن کپی رایت بوده: «تاکتون دوبار آثار تالیفی من به سرقت رفته است و در یکی از موارد ۹۰ صفحه از کتابی را که تالیف کرده‌بودم به سرقت رفت و بخشی از کتاب من را به چاپ رساندند بدون اینکه اسمی از من بیاورند و دست من هم به هیچ جا بند نبود و کلا نسبت به حقوق معنوی بازنگری کنیم و مولفان و دانشجویان ما نسبت به آثاری که به وجود می‌آورند، ایمن نیستند و آثارشان به سرقت می‌رود.»
به گفته افروغ قانون فعلی حق مولف مربوط به سال ۱۳۸۴ است و از آن موقع تاکنون کسی تغییری در آن نداده است. او می گوید که مجلس قصد دارد قانون فعلی حق مولف را اصلاح کند: «کمسیون فرهنگی آمدگی دارد تا قانون مصوب سال ۱۳۸۴ را اصلاح کند و اگر پیشنهادی هم از سوی دولت درباره این قانون مطرح شود آن را بررسی می کند اما بهتر این است که دولت در این خصوص لایحه‌ای تنظیم کند. اگر دولت بنا به هر دلایلی و گرفتاری هایی نتوانند و نخواهند که طرحی در این

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

قربانی قانون حق مؤلف در مجلس



دولت آورده به هیچ رو جوابگوی وضعیت کنونی نیست. فناوری های جدیدی که در عرصه نشر به وجود آمده. فناوری های جدید قانون جدید هم نیاز دارد و دیگر قانون حقوق مولف و مصنف سال ۱۳۸۴ جوابگوی دوران ما نیست و مشکلات و چالش هایی که از زمان تصویب این قانون برای ناشران، مولفان و هنرمندان ما به وجود آمده لزوم تغییر این قانون را مشخص می کند. « رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس دیروز خبر مهمی تر را اعلام کرد و آن اینکه مجلس تلاش دارد قانون شمول حق مولف تا ۳۰ سال پس از تالیف را حذف و آن را دائمی کند. افروغ می گفت: «ما قصد داریم در مجلس این مدت زمان را حذف کنیم و جای اینکه فقط صاحبان اثر ۳۰ سال بتوانند از حقوق مادی کتاب استفاده کنند این زمان را از قانون حذف و حق استفاده وراثت مولف از حقوق مادی کتاب را به طور دائمی تصویب کنیم. »

حادثه‌ای در خیابان آزادی

جسمی که بعضی از امور جاری زندگی برایش دشوار بود اما هرگز سخن به گلايه نگشود و به دیگران درس زندگی و مقاومت می داد. وی پس از سال‌ها اجاره‌نشینی در جست‌وجوی سرپناهی جدید بود و در هفته‌های اخیر در تاکتوی یافتن خانه جدیدی در این شهر شلوغ. به دلیل عدم دید مناسب راننده و بی‌دقتی اعظم برای عبور از خیابان و همچنین عدم عبور وی از پل عابر پیاده، در مجموع موجب حادثه‌ای دلخراش شد.
عدم امکانات شهری مناسب جهت تردد معلولان نکته مهمی است که هنوز توجه کافی از سوی مراکز ذیربط پایتخت به آن نمی‌شود.
او با هزاران امید و آرزو و اشتیاق محلی کار خود را ترک می کند و خود را به دلیل مشکل سکرتوری جدید آماده می‌سازد که اسیر حادثه‌ای می‌شود که در این شهر شلوغ همه‌روزه شاهد آن هستیم.
هرچند او در میان دوستان و یاران خود نیست و در میان بغض ها و اشک‌ها در خاک آرمیده است اما تلاش و پشتکار وی در رسیدن به کمال مطلوب و مبارزه با پیچ و خم‌های زندگی مثال‌زدنی است.
دختری بدون حمایت‌های معنوی پدر و مادر و صرفاً با تلاش و پشتکار فراوان در مقابل همه ناملایمات روزگار ایستاد و چراغ زندگی خود را روشن نگاه داشت تا به همه جوانانی که سرنوشتی به مانند خود او دارند یاموزد که داشتن پدر و مادر هرچند نعمتی بس بزرگ است اما با فقدان آنها نیز می توان «زندگی» کرد و به فرادا سلامی دوباره گفت.

اینجا چراغی روشن است

شده. گزارش دیدار هفته پیش دکتر قندی از کافه تیر را در روزنامه شرق خوانده و بعد به این دوست دیرینه رنگ زده و گفته که بسیار علاقه‌مند است به این کافه برود و دوستانش را ببیند. و حالا او اینجا است. می گوید: «الان هم در هیات تحریریه یکی از روزنامه‌ها هستیم. یک ستون طنز دارم و کار دلم را انجام می‌دهم.» و چه می‌کند این دل با همه آنها که دل بسته‌اند به حرفه روزنامه‌نگاری، که کاش زمینه‌ای فراهم شود که کسی در وسط کار آن راه‌ها نکند. . .
پروفسور معتمدنژاد هم در پی آن است تا شرایطی ایجاد شود که روزنامه‌نگاری شغل تمام‌وقت و کار اصلی تمام علاقه‌مندان به این حرفه باشد، و در پی آن است که قانون بر این حرفه حکمفرما شود. می گوید: «ما در کشورمان هم صف داریم و هم قانون. ولی مجبوریم از طریق قانون اقدام کنیم.» توضیح می‌دهد که به کمک انجمن صنفی از سه سال پیش تهیه چند متن حقوقی را آغاز کرده‌اند: «سال گذشته یکی از این متن‌ها به هیات دولت رفت ولی فرصت نشد که مجلس هم ارائه شود.» او می گوید این قانون‌ها کمک خواهند کرد تا تعریف روزنامه‌نگار و حدود کار حرفه‌ای او مشخص شود، مقررات کاری و ارتقای سمت‌ها تعیین شود، حرمت روزنامه‌نگار در جامعه حفظ شود و مهم‌تر از همه این که بتوان از حیثیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری دفاع کرد. دکتر معتمدنژاد از امیدواری به راهی که آغاز کرده می‌گوید، و امید شاید همان واژه‌ای است که در فضای امروز مطبوعات ایران بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز است. همان که دکتر نمکدوست به شیرینی در حکایتی طنزگونه به نقل از استاد غایب در این جمع (دکتر یونس شکرخواه) بیان می‌کند و آقادر به همه اثری مثبت می‌دهد که شک نکنیم او یکی از دوستان دانشنی ترین استادان برای دانشجویان است، همان‌ها که بازگشت او به کلاس های درسش را «حق مسلم» خود می‌دانند.

ساعت از هفت ونیم گذشته و هوادیرگ کاملاً تاریک شده است. انگار همین لحظه پیش بود که در یک قاب با بزرگان ایستادیم و عکس گرفتیم، دو میز آن‌سوتر، خبرنگاری ضبط‌صوتش را درآورده و با دکتر قندی که در کنار دوستش ناصر مجرد نشسته، در حال گفت‌وگو است. این سو، بحثی خودمانی در جریان است که هزارگاهی به فلسفه و تاریخ پهلو می‌زند. پشت میز چسبیده به دیوار، زن و شوهر پیشکوست است که تقریباً کسی از نسل کنونی روزنامه‌نگاران او را نمی‌شناسد. ناصر مجرد از آن کیهانی‌های قدیمی است که سال ۵۹ از این روزنامه بازنشسته